

روژنه

رئیس دادگستری استان فارس خبر داد:

۲ کشته و ۴۸ مصدوم در حوادث کازرون

- شرق**؛ بعد از حوادث چند روز گذشته در کازرون،

رئیس کل دادگستری استان فارس از تشکیل «کمیته مشترک برای تحقیق به‌منظور شناسایی عوامل وقایع کازرون» خبر داد و گفت که دو نفر در این حوادث کشته و ۴۸ نفر مصدوم شده‌اند. به گزارش ایسنا، علی القاصی‌مهر تأکید کرد: «تجمعات اخیر بدون مجوز و غیرقانونی بوده و به پرونده مرتکبان و کسانی که از این فضای احساسی و تجمعی سوءاستفاده و به جان و مال مردم تعرض کرده و اموال عمومی، دولتی و خصوصی را تخریب کرده، با آتش زده‌اند در اسرع وقت رسیدگی و برخورد قاطع و قانونی با آنان انجام می‌شود.» او افزود: «علی‌رغم چندین مرحله تجمعات اعتراضی در سطح شهرستان کازرون، دستگاه قضائی از هرگونه برخورد قضائی خودداری کرده و دستورات لازم را به دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی جهت به‌کارگیری اقدامات پیشگیرانه بدون احضار افسراد، صادر و تصریح و تأکید کرده از متنفذان، علما و افراد اثرگذار در راستای ارشاد قانونی و توجیه و هدایت معترضان به سمت آرامش و تمکین از قانون و هشدارهای قانونی استفاده نشود.» او عنوان کرد: «در تجمعی که روز چهارشنبه، بیست‌وششم اردیبهشت، حادث شد دستگاه‌های ضابط اعم از نیروهای اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی در صحنه تجمعات حضور داشتند و سعی کردند که ضمن کنترل اوضاع از اقدامات خلاف قانون و رفتارهای مجرمانه جلوگیری کنند که در نتیجه در این روز تعداد ۱۵ نفر را به اتهام اختلال در نظم و تجمعات غیرقانونی دستگیر و به مقر پلیس منتقل کردند. دستگیری این افراد به‌دست مأموران در مقام برخورد و مواجهه با جرم مشهود و حسب وظیفه ذاتی و قانونی مأموران انجام شده و دستوراً از جانب دادستان کازرون مبنی بر دستگیری فرد یا افراد معین و مشخصی صادر نشده است.» دادستان استان فارس گفت: «در ادامه همان شب به‌دنبال تجمعات بعدی تعدادی از افراد ضمن هجوم به مقر پلیس اقدام به تخریب اموال عمومی کرده و با تعرض به مأموران، امنیت و آسایش عمومی را سلب می‌کنند. در نتیجه این اقدامات اختلال‌گرانه و تخریبی و تیراندازی و حمله با سلاح سرد و گرم، یک‌نفر بر اثر اصابت گلوله فوت کرده و هفت نفر از مأموران و مردم نیز مصدوم شده که در بین مصدومان مأمورانی که با چاقو مصدوم و زخمی شده‌اند نیز دیده می‌شود؛ دراین‌فرآیند فرد دیگری نیز با اصابت گلوله زخمی شده که در مرکز درمانی تحت درمان قرار می‌گیرد.» او گفت: «در ادامه این تجمعات در روز پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت، علی‌رغم هشدارهای پلیس و مأموران در صحنه، اخلاکارن به اقدامات تخریبی ادامه داده و بخشی از اموال خصوصی مردم و اموال عمومی و دولتی را تخریب کردند و آتش زدند که در این تجمعات نیز فرد دیگری بر اثر اصابت گلوله فوت کرده و تعدادی نیز مجروح و مصدوم شدند.»

لیدرهای اصلی حوادث کازرون دستگیر شده‌اند
جانشین فرماندهی انتظامی فارس هم درباره حوادث کازرون به سایت پلیس فارس گفت: «نیروی انتظامی برای مقابله با هنجارشکنان و حفاظت از اموال عمومی، محرکان و لیدرهای اصلی این اغتشاشات را دستگیر کرده که حدود ۴۰ درصد از آنان سابقه کیفری داشتند. برخی از متهمان ساکن استان‌های اطراف و برخی نیز ساکن شهرستان‌های اطراف کازرون هستند که عمده آنان مسلح به سلاح سرد از قبیل: قمه، دشنه، تبر و بعضاً با سلاح ساجمذنی قصد تعرض به مأموران را داشتند که پلیس با هنجارشکنان برخورد قاطعانه داشته است.» سرهنگ علی الذوقدری، تأکید کرد: «درحال حاضر اوضاع کاملاً تحت کنترل پلیس است و مشکل خاصی وجود ندارد.»

ناآرامی‌های کازرون از بیرون ایران هدایت می‌شود

راحه نامداری، عضو شورای شهر کازرون، هم در گفت‌وگو با ایبلا، گفت: «شورای شهر و شورای تأمین و سایر معتمدان، اصناف و روحانیون در تلاش‌اند که بحث خاتمه پیدا کند. اگر وزارت کشور خیلی زودتر، بیانیه‌ای درخصوص متنی‌شدن طرح تقسیم شهرستان کازرون را صادر می‌کرد و مردم را مطمئن می‌کرد که این اتفاق نمی‌افتد، ما هیچ‌وقت در این مسیر نمی‌رفتیم. متأسفانه کسانی که این کارها را می‌کنند کازرونی نیستند و به نظر می‌آید حتی از بیرون از ایران هدایت می‌شوند.» محمدامین مهرروز، عضو دیگر شورای شهر کازرون، هم به اعتمادآتلاین گفت: «صبوری و فراستی نیروی انتظامی و مسئولان محترم امنیتی باعث شده که شاهد یک فضای آرامش نسبی و فضای اعتماد بیشتری باشیم که به حل مشکلات کمک می‌کند.»

واکنش وزیر خارجه آمریکا به حوادث کازرون

«مایک پمپئو»، وزیر خارجه آمریکا، روز جمعه

در توییته به حوادث کازرون واکنش نشان داد و مدعی شد که از مردم ایران علیه سرکوب حمایت

می‌کند. سال گذشته هم، پس از حوادث دی‌ماه در کشور، «نیکی هیلی»، نماینده آمریکا در سازمان ملل، خواستار نشست اضطراری شورای امنیت شده بود که این نشست بدون کسب نتیجه‌ای پایان یافت. نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل، اظهارات نیکی هیلی را «تهموع آوَر» خوانده بود.

politics@sharghdaily.ir

ادامه از صفحه ۶

آقای دکتر این حرف‌هایی که شما می‌زنید من را خیلی به یاد حرف‌های سال ۸۲ و ۸۳ در حزب مشارکت می‌اندازد. آن زمان که ما با مردم و جامعه دانشگاهی صحبت می‌کردیم همین حرف‌ها را می‌زدیم که مسیر سنکلاخ است و شما ماشین‌ی ندارید، اما ما یک پیکان قراضه داریم که یواش‌یواش حرکت می‌کند یا باید سوار ماشین ما بشوید یا جی می‌مانید. ماشین ما خراب هست، صندلی آن ناراحت هست، گاهی می‌ایستد، اما همین ماشین را داریم و ناچاریم. مردم تا یک‌جایی سوار می‌شوند، اما از یک جایی به بعد می‌گویند ولش کن! شاید حرف شما به‌لحاظ تنوریک درست باشد، ولی «عملی‌بودن» است که اهمیت اولیه دارد. شما یا جامعه‌ای مواجه هستید که احتمال دارد ببرد یا منفعل شود حتی اگر حق با شما باشد. آن چیزی که ما الان می‌بینیم این است که هیچ تغییری در اصلاح‌طلبان صورت نگرفته است. واقعاً قرار است از دی‌ماه به این سو چیزی در اصلاح‌طلبان تغییر کند؟ شما خودتان به این جمع‌بندی رسیده‌اید که باید تغییر کنید؟

بله، به این نکته که در بیانیه اول خودمان هم اشاره کردیم. ما به دنبال این هستیم که ببینیم کجای کار را باید اصلاح کنیم تا اعتماد مردم دوباره احیا شود. شما می‌گویید حرف ما ممکن است درست باشد، اما مؤثر نیست. به این دلیل مؤثر نیست که نباید حرفمان را عوض کنیم. شیوه بیان و ارتباط با مردم را باید اصلاح کنیم. بعضی‌ها فکر می‌کنند اصل ایده اصلاحات باید اصلاح شود، نه...

روش‌ها که می‌توانند اصلاح شوند؟

بله روش‌ها می‌توانند اصلاح شوند. اصلاح روش‌ها متناسب با شرایط است. فرق جنبش سبز با پیش از خودش در روش بود؛ وگرنه گفتمان تغییر نکرده بود. گفتمان همان گفتمان بود؛ ولی روش تغییر کرده بود. ما در دوره اصلاحات صراحتاً می‌دانستیم که نمی‌خواهیم مردم را به خیابان بکشیم. علت این که نمی‌خواستیم مردم را به خیابان بکشیم، این بود که می‌گفتیم ما دارای مزیت‌هایی هستیم که با آوردن مردم در خیابان آن مزیت‌ها به خطر می‌افتد. ما دولت و مجلس را در اختیار داشتیم و آوردن مردم در خیابان ممکن بود منجر به خشونت شود و آن مزیت‌های ما هم تحت‌الشعاع قرار بگیرد. ما در آن زمان نیاز به آرامش داشتیم تا در آن آرامش بتوانیم برنامه‌های خودمان را پیش ببریم. در سال ۸۲ آن مزیت‌ها را از دست دادیم. در سال ۸۸ دیگر آن مزیت‌ها را نداشتیم.

الان انتخابات با چالش روبه‌رو شده است. ببینید، من منکر این نیستم که مجاری اصلاحات را بسته‌اند. مجاری کمتری برای اصلاح‌طلبی باقی مانده است. این را قبول دارم. اگر روزی تمام مجاری اصلاحات بسته شود، مسئولیت از اصلاح‌طلبان سلب می‌شود. ما به‌عنوان نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب درباره آینده کشور و سرنوشت مردم احساس مسئولیت می‌کنیم. ما دنبال به‌دست‌آوردن قدرت برای خودمان نیستیم. ما فکر می‌کنیم که این کشور سرمایه‌ها و ثروت‌هایی دارد که باید در خدمت مردم و در خدمت پیشرفت کشور قرار گیرند و دنبال این هستیم. به‌عنوان نیروهای «حد واسط»، اصلاح‌طلبان به‌عنوان نیروهای حد واسط مردم

و حاکمیت می‌خواهند مصالحه‌ای را برقرار کنند تا مردم بتوانند به مطالبات خود دست یابند. ما نیروی حد واسط هستیم. اگر مجاری تنفسی این نیروی حد واسط بسته شود، مسئولیت از آن سلب می‌شود. تا زمانی که بتوانیم کمک می‌کنیم که این مصالحه صورت گیرد، کمک می‌کنیم، زمانی هم که نتوانیم، دیگر مسئولیت از عهده ما خارج است.

چرا مطالبات مردم را نمایندگی نمی‌کنید؟
ما مطالبات مردم را نمایندگی می‌کنیم؛ ولی روشی که برای پیگیری این مطالبات داریم، روش اصلاح‌طلبانه است.

ما با دولتی وارد ائتلاف شدیم که خود آن در سَرَکار آوردن این دولت نقش داشتیم، ما بودیم، حزب اعتدال و توسعه که نبوده است!
درست است.

حالا اینکه آقای روحانی و آقای واعظی قبول نمی‌کنند، بماند! اما شما مطالبات را به همین دولت نمی‌توانید منتقل کنید.

نه؛ اگرچه ارتباطمان خیلی ضعیف است، ولی مطالبات منتقل می‌شود. خیلی روشن است که اگر روش‌های اصلاح‌طلبانه امروز را که مبتنی بر شرکت در انتخابات است، خاتمه‌یافته تلقی کنیم؛ یعنی جامعه به این نتیجه برسد که این روش‌ها دیگر فایده ندارند.

بحث زنان خیابان انقلاب شروع یک نافرمانی مدنی از سوی مردم است، البته بدون آنکه اصلاح‌طلبان در آن نقشی داشته باشند. ما نمی‌توانیم با

این مخالفت کنیم. ما زمانی می‌توانیم با این اقدام مخالفت کنیم که برای آن بدیل قانونی داشته باشیم. اگرچه ما مشوق این حرکت نیستیم، ولی با آن مخالفت نمی‌کنیم؛ به دلیل اینکه فکر می‌کنیم مردم دارند کاری بدون خشونت را انجام می‌دهند. **ما من فکر می‌کنم شما مثل سال ۹۲ صحبت می‌کنید و در موضع اعلام برنامه هستید؛ اما هنگامی که کسی یا مؤلفان آن در قدرت قرار می‌گیرند، در موقعیت ارائه کارنامه هستند و نه برنامه. شما باید بگویید از ۹۲ تا به حال چه کارنامه‌ای دارید. در دولتی که انتخاب کردیم، تلگرام فیلتر شد. در همین سمتی که ما انتخاب کردیم، چه کاری توانسته‌ایم انجام دهیم؟ مجموعه اصلاح‌طلبان را می‌گوییم، گویی تمام سرمایه خودمان را به اینها داده‌ایم بدون آنکه از آنها جک یا سفته‌ای گرفته باشیم.**

من باید به شما چیزی بگویم تا متوجه شوید ما چه کرده‌ایم و چه داریم می‌کنیم و دنبال چه باید بگردیم. بعد از سال ۸۸ ما در انتخابات مجلس نهم شرکت نکردیم؛ یعنی به نوعی عدم مشارکت داشتیم که نوع رقیقی را نافرمانی مدنی است.

تحریم غیرفعال بود.

بله تحریم غیرفعال بود. چرا ما در سال ۹۲ دوباره در انتخابات شرکت کردیم؟ حداقل من می‌دانسم که در مجموعه ما این نظر نزد عده درخور توجهی وجود داشت که در انتخابات شرکت نکنیم. آن چیزی که مجموعه دوستان ما را بر این داشت که در آن انتخابات شرکت نکنیم، مطالبه نسل جوان بود که می‌گفت تا چه زمانی قرار است وضع به این صورت ادامه پیدا کند؟ باید کاری کنیم. کاری که می‌شد انجام داد، شرکت در انتخابات بود. نسل جوان از ما خواست در انتخابات ۹۲ شرکت کنیم. نسل جوانی که تازه به سن رای‌دادن رسیده بود، می‌خواست که شرایط جامعه خود اثرگذار باشد و غیر از رای خود چیزی برای اثرگذاری نداشت. آنها بودند که ما را ترغیب و تشویق کردند و از ما خواستند در انتخابات شرکت کنیم. ما بر اساس این درخواست برای اینکه بتوانیم دستوراد داشته باشیم، از شعار اصلاح‌طلبی خودمان عدول کردیم و به بهبودخواهی رسیدیم. ائتلاف اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان پشت سر آقای روحانی، عدول از اصلاح‌طلبی به بهبودخواهی بود. ما می‌گفتیم مملکت دیگر نمی‌تواند مدیریتی در تداوم مدیریت احمدی‌نژاد را تحمل کند. نسل‌های آینده ما همه چیز را خواهند باخت. شعار ما چه بود؟ نجات کشور. آقای روحانی را انتخاب کردیم؛ در مخیله ما هم نمی‌گنجید روزی پشت سر آقای روحانی قرار گیریم، اما این‌کار را کردیم. به خاطر مردم و برای کشور. آقای روحانی هم بیش از آنچه ما از او انتظار داشتیم، کار کرد. ولی باید بدانیم که آقای روحانی یک اصلاح‌طلب نبوده و نیست و نباید انتظارات اصلاح‌طلبانه از او داشته باشیم. چیزی که امروز برای ما چالش ایجاد می‌کند، این است که عده‌ای تلقی می‌کنند که چون آقای روحانی با رای اصلاح‌طلب‌ها انتخاب شده است، با یک دولت اصلاح‌طلب مواجه هستیم.

بحث بر سر افراد نیست آقای دکتر، بحث درباره رویکردها و حداقل‌هاست.
آن چیزی که ما از آقای روحانی می‌خواستیم، این‌بود که مملکت را از آن وضعیت نجات دهد. آقای روحانی نیز مملکت را از آن وضعیت نجات داد.

آقای شکوری این پروژه چهار سال اول بود. حتما حرف‌هایی را که آقای روحانی و اصلاح‌طلبان یک سال پیش می‌زدند، یادتان هست. لطفاً از بحث‌های ۹۲ عبور کنیم، الان یک سال از سال ۹۶ گذشته است...

آقای روحانی نتوانسته به وعده‌های خود عمل کند. شاید وعده‌های بیش از اندازه هم داد. در رقابت انتخاباتی همه شعار می‌دهند، آقای روحانی هم شعار داد. تا یک زمانی

سیاست

ما چرا هنوز تمام نشده است

شعار نداد اما احساس کرد [آرای او در حال ریختن است] و مجبور شد شعار دهد. این خاصیت انتخابات است.

شعارهای آقای روحانی مثل چاپ اسکناس بدون پشتوانه بود و الان نقدینگی ایجاد کرده است.

منکر این موضوع نیستم. اما زمانی لازم می‌شود که اسکناس چاپ کنی، وقتی در خزانه دولت پول نباشد، مجبور می‌شود برای پرداخت حقوق کارمندان خود اسکناس بدون پشتوانه چاپ کند؛ کار بدی است اما لازم است. چرا بنده نوعی همچنان امیدوارانه دارم سیاست‌ورزی می‌کنم اما یک جوان ۱۸ ساله ناامید شده است؟ به این دلیل که ما یک‌سری از واقعیت‌ها را توانسته‌ایم به تجربه بفهمیم و بپذیریم. فرق یک آدمی در سن و سال من با یک جوان ۲۴ تا۱۸ ساله این است او کاملاً آرمان‌گرایانه رفتار می‌کند و من یک مقدار واقعیت‌ها را در نظر می‌گیرم. من گاهی به برخی از دوستانی که همیشه انتقاد می‌کردند می‌گفتم: تو که پادشاه مملکت وجود خودتی و اختیار خودت را هم داشته‌ای، چقدر آن چیزی شدی که می‌خواستی، چند درصد؟ جامعه هم همین است؛ ما نمی‌توانیم به تمام آن چیزی که می‌خواسته‌ایم دست یابیم. بین این آرمان‌خواهی و واقع‌گرایی...

یک سال از انتخابات گذشته است، شما بیاینه دادید و انتقاد می‌کنید اما همچنان فاصله‌گذاری نمی‌کنید. شبکه‌های مجازی را دارند می‌بندند و آقای روحانی همچنان در موقعیت ابوزیسیون است. مردم می‌گویند شما رئیس جمهوری، خب شبکه‌های اجتماعی را ببند!

نمی‌تواند. نمی‌تواند که نشد حرف! من شخصا دیگر نمی‌توانم به کسی بگویم رای بده. چرا نمی‌شود؟! اگر رای ندهد نتیجه آن چه می‌شود.

تا ابد که نمی‌توان سلبی حرف زد.
ببینید من یک سیاست‌ورزم؛ با یک دانشجو، روشنفکر و روزنامه‌نگار فرق دارم. من نتیجه‌گرا هستم.

ما از منظر نتیجه می‌گویم. شما می‌گویید تا ۱۰ برنامه داشتم ۹ نشد، درباره آن یکی که شد، بگویید.

یکی این است که صدای مردم هنوز مطرح است. کسانی در این جامعه می‌خواستند که صدایی جز صدای خودشان نباشد، ولی ما توانسته‌ایم باشیم و صدایمان را داشته باشیم و همچنان برای آینده امیدواری ایجاد کنیم. هر اتفاقی که در این مملکت رخ دهد بالاخره زمان می‌گردد...

این چه ارتباطی به آقای روحانی دارد. تعداد گوشی‌های هوشمند افزایش پیدا کرده است...

بله تحولات عصری و تکنولوژیک خیلی کمک می‌کند ولی ما باید باشیم تا به فردا برسیم...

بهرتر نیست ما به سمت جامعه بیاییم...
مگر ما جدای از جامعه‌ایم؟ برای انجام چه کاری به سمت جامعه می‌رویم؟

ما این مسئله وجود دارد که بعد از ۹۲ قدرت به دهان برخی از اصلاح‌طلبان خوش آمده است. این بحث در جامعه هست که نزدیکی به قدرت به مذاق برخی اصلاح‌طلبان خوش آمده است، بالاخره مزایایی دارد، امنیت دارد، شغل دارد و... ما به عنوان یک نیروی سیاسی مسئول بهتر است از این مسئله فاصله بگیریم و به جامعه برگردیم و گفتمان خودمدان را تعمیق کنیم؛ بگوییم ما به ایشان رای دادیم و در آن لحظه بهتر

از آن هم کاری وجود نداشت. با این وضع به‌هیچ‌وجه نمی‌توانید کارنامه خودتان را از کارنامه آقای روحانی جدا کنید. به پای جفتان

نوشته خواهد شد.

این‌که همین الان هم دارد اتفاق می‌افتد. از اول هم انتقاد کردیم. رویکرد ما اتحاد و انتقاد بود. ما از دولت آقای روحانی انتقاد می‌کنیم و مطالبات مردم را هم از او مطالبه می‌کنیم.

صدایتان خیلی ضعیف است.

به این دلیل که امکان سوءاستفاده وجود دارد؛ باید این‌کار را با احتیاط انجام دهیم. شما در مصاحبه‌ها و بیانیه‌ها می‌انتقادات را می‌بینید. این را که بین اصلاح‌طلبان و دولت فاصله‌گذاری کنیم، بارها انجام داده‌ایم و می‌دهیم. بارها گفته‌ایم که دولت روحانی دولت اصلاح‌طلب نیست و ما به ضرورت از او دفاع کرده‌ایم؛ ولی جامعه چیزی را می‌شنود که دوست دارد بشنود. حرف شما از این نظر درست است که حرف‌های آدمی در سن و سال من با یک جوان ۲۴ ساله حرف‌های ما را می‌شنود که ما علیه دولت آقای روحانی فریاد بریزیم. ما هنوز به آن مرحله نرسیده‌ایم.

اصلا تفاوت شما با کارگزاران در چیست؟ این بحث قدیم مشارکت هم بود و هیچ‌وقت هم به نتیجه نرسید.

ببینید در مجموعه نیروهای اصلاح‌طلب سه گرایش وجود دارد. یکی گرایش کارگزاران است که اقتصاد لیبرالی را دنبال می‌کنند. یک گرایش طیف مهندس موسوی است که نهادگراها هستند. حزب اتحاد متمایل به طیف مهندس موسوی است اما منطبق نیست. برای ما شاخص عدالت شاخص مهمی است. شاید به آن کمتر پرداخته باشیم؛ چراکه چالش‌های سیاسی همیشه بر چالش‌های اقتصادی سایه انداخته‌اند. اگر شرایط جامعه اقتضا کند که جهت‌گیری‌های اقتصادی خودمان را در آرایش سیاسی بروز دهیم ما در سمتی می‌ایستیم که عدالت برای آن اهمیت دارد.

الان برخی گسل‌ها در حال فعال‌شدن است. شکاف‌های عمودی و افقی فعال شده است. الان مسئله این است که شما سمت کدام بخش از جامعه می‌ایستید. اگر شما طرف خودتان را مشخص نکنید، کسی این مطالبات را مصداق می‌کند به راست یا دروغ و جامعه را به سمت خود می‌کشاند.

ما می‌دانیم که در چند جهت چالش وجود دارد. ما می‌توانیم در یک شکاف، یک طرف گسل بایستیم و با طرف مقابل چالش کنیم

ولی گسل‌های دیگری هم وجود دارد که باید سمتی نیز تعیین‌تکلیف کنیم. گسل اصلی‌ای که درحال حاضر در جامعه ما اثر می‌گذارد، گسل قانون‌گریزی و قانون‌گرایی است. این گسل خیلی فعال است. ما می‌گوییم جامعه را به سمتی ببریم که قانون در آن اعمال شود. اگر قانون اعمال شود، آن‌گاه هر حزبی می‌تواند گرایش‌های اقتضای آن خود را دنبال کند. این گسل جریان مفاد را یک سمت قرار داده، بخش بزرگ اصلاح‌طلبان، اعتدالیون و بخشی از اصولگرایان را هم در یک سمت. ما باید اول تکلیف این گسل را مشخص کنیم. نمی‌توانیم تا قبل از مشخص‌کردن تکلیف این گسل بقیه گسل‌ها را فعال کنیم.

دست کم نیست، فعال شده‌اند؛ گسل طبقاتی، گسل جنسیتی...
بله اینها هست. جامعه ما به‌خاطر اینکه گسل‌های متعددی در آن فعال شده است، در معرض خطراتی قرار دارد. ما این را کاملاً می‌دانیم و می‌فهمیم.

ما به‌عنوان نیروی مسئول سیاسی نمی‌توانید این را به آینده دور موکول کنید.
ما عامل اصلی این واگرایی‌ها را اقتدارگرایی گروه کوچکی می‌دانیم که به سه مطالبات هیچ یک از مردم توجهی ندارد و می‌خواهد قدرت خود را حفظ کند. فکر می‌کنیم این مورد باید ابتدا چاره شود. نباید بگونه‌ای به مسائل بپردازیم که فرست تداوم و بقای آن بیشتر شود. این رویکرد باید تعدیل شود. البته آنها هم ابزار قدرت بسیار زیادی دارند که باعث تداوم و بقایشان در عمل می‌شود ولی به لحاظ قوای فکری و نرم‌افزاری، گفتمان و اراده روز به روز در حال ضعیف‌شدن هستند.

شما در ابتدای مصاحبه گفتید که آنچه در دی‌ماه رخ داد، اصلاح‌طلبان را دست‌کم به فکر اصلاح در روش انداخته است. ماب‌آزای بیرونی آن چه خواهد بود؟ فرصت به‌شدت در حال گذر است، چه کاری دارد انجام می‌شود؟
درحال حاضر ما در حزب مفصل بحث می‌کنیم. در ماه‌های گذشته به این موضوع پرداخته‌ایم و امیدوارم که بتوانیم بیاینه دوم خودمان را که ناظر است بر نتیجه تلنگری که در دی ماه خوردیم، در یکی دو ماه آینده بیشتر کنیم و در آن بیاینه بتوانیم راهکارهایی را ارائه کنیم. بنابراین من الان نمی‌توانم دقیقاً بگویم به چه جمع‌بندی‌ای خواهیم رسید. در پروسه این بحث و رسیدن به جمع‌بندی هستیم. ضرورت آن را حس کرده‌ایم ولی اگر از من بپرسید جمع‌بندی شما چه خواهد بود...

نگاه

آقا سیدمهدی طباطبایی

غلامعلی رجایی

● جنوب تهران بود و سیدمهدی. امروز در تهران و قم با عظمت تشیع شد و این نوشته کمترین ادای دینی به خدمات بیش از ۶۰ دهه مجاهدت‌های اوست.

اول، اواخر ماه مبارک سال قبل در معیت حاج‌علی آقای انسانی شاعر و ذاکر بی‌بدیل اهل بیت علیهم‌السلام ساعتی مانده به سحر به منزل سید رفتم. سید در لابه‌لای مطالب مغفیدش گفت امام درباره یکی از علمای... که اکنون در قید حیات است و موقعیت مهمی دارد، نامه‌ای را او نوشته و از او خواسته ببیند وضعیت وی که سعی می‌کند در بین مردم خود را به امام منتسب کند، چگونه است. این امر بیانگر قدر و منزلت سید نزد امام خمینی و اطمینان وی به او بود. سید می‌فرمود اصل نامه را که به آیت‌الله هاشمی نشان دادم، به رسم نامه از نامه را از من گرفت و با خود برد و من حیا کردم بگویم این نامه باید پیش من بماند.

سید نگران فاش‌شدن محتوای این نامه از هاشمی بود و از صحبت‌های نوازش موقع بدرقه من معلوم بود مایل است دوباره این متن تاریخی مهم به وی بازگردانده شود.

روز بعد از ملاقات، این پیام را به مهندس محسن هاشمی رساندم که آقا سیدمهدی دنبال پس‌گرفتن این نامه است. نمی‌دانم بالاخره این نامه به او باز گردانده شد یا نه و به گمان نه!

دوم، سال‌ها قبل به ابتکار مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در کتابخانه ملی به همت برادر عزیزم، مورخ ارجمند تاریخ معاصر، دکترمحمدجواد مرادی‌نیا به همایشی برای بازخوانی حوادث و وقایع منتهی به قیام امام در اوایل دهه ۴۰ دعوت شدم.

سید با تبحر تمام، سخنان نغز و ناشنیده‌ای در تحلیل حرکت سایر علما گفت و مشاهده‌اش را روایت نمود و متصفانه درباره انتخاض در حوادث این‌ایام داوری کرد و گفت هیچ‌کدام از مراجع در ابتدا در این امر در اعتراض به تحرکات ضددینی شاه کوتاهی نکردند و حتی گاه در مقام بیان، بعضی از آنها از امام تندتر هم ظاهر شدند، اما در ادامه این امام بود که از همه جلو افتاد و پرچمداری این نهضت و دفاع از این مظلوم را از آن خود کرد.

کاش این متن روزی برای استفاده محققان حوزه تاریخ معاصر منتشر شود.
سوم، من سالی یک بار برای مراسم شهادت حضرت زهرا سلام‌الله علیها به حسینیه لباس‌فروش‌ها در خیابان سعدی می‌روم و بسیار هم بهره می‌برم. امسال این‌بار موفق نصیب شد و سید و پدر را در منبر عزای جده‌اش زیارت کردم. یک سال که ایام عاشورا در تهران ماندم و به دزفول طبق این رسم ۳۰ساله رفتم، روزاسوعا به حسینیه رفتم. سخنران، آقا سیدمهدی بود که در منزلت علمدار باوقای کرپلا عباس علیه‌السلام سخن گفت. صحبتش که به روضه منتهی شد، نکته‌ای بدیع گفت که من محقق تاریخ عاشورا در جایی نخوانده و حتی نشنیده بودم.

سید در چرایی و تعلیل اینکه چرا حضرت عباس به امام حسین گفت یک‌بکر خویشش را به خیمه‌ها نبرد، فرمود: وقتی امام علت این تقاضا را پرسید، ابوالفضل(ع) عرض کرد، من علمدار سپاهت بودم، اگر دشمن تو را باین حال ببیند که کشته مرا به دوش می‌کشی جرتش در حمله به تو و بر تو بیشتر می‌شود. امام با شنیدن این سخنان، گریست و به عباس فرمود: خدای تو را بیشتر رحمت کند که در زنده‌بودن و حتی پس از مرگت این‌گونه واضح و خیرخواه من هستی.

چهارم، مجلات به‌آماندانی سید، در شب ارتحال آیت‌الله هاشمی عزیز در شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی، هنوز بی‌تکرار است. در همان ساعات اولیه این فاجعه تلخ، از بدخواهان و بدگویان هاشمی خواست توبه کنند و فرمود البته دیگر از هاشمی توقع بخششی نداشته باشند چون حسب روایت اگر کسی پس از مرگ شخصی درباره او بدگویی کند، امکان حلالیت‌طلبی از او گرفته می‌شود و برای شخص درگذشته هم این بخشش میسور نخواهد بود. سید در آن شب از هاشمی به عنوان شهید نام برد و حتی گفت به نظر من، وی نه یک شهید که چند شهید است. اخیراً که این مصاحبه را از او دیدم با خود گفتم؛ حیف این مرد آزاده که این روزها با مرگ دست‌وپنجه نرم می‌کند و عن‌قریب مادر همه ما نوع بنی‌بشر، یعنی خاک، وی را در آغوش خواهد کشید.

با خود گفتم کاش سلول، سلول این آقا‌سید دوست‌داشتنی را، در بین دنیازدگان ساکت مصلحت‌اندیش عافیت‌طلب، از هم‌بایسی‌ها و غیرهم‌بایسی‌هایش تقسیم کند تا در برابر ستم به قیمت و قدر زندگی و بودن! ساکت نشینند و بدانند آدمی به ایستادگی‌اش در دفاع از حق و مظلومین است که در دل‌ها می‌ماند. نه پیام‌های تسلیلی و تقدیری که پس از رفتن در شانش داده شود یا نشود!

سلام خدا و همیشه ما بر او که با عزت و شرف و مردانگی و جوانمردی زیست و عمر به پایان برد و هرگز و هرگز برای بودن و به قیمت‌ماندن، حقیقت را در پای مصلحت قربانی نکرد.

عاش سعیدا و مات سعیدا

و فی ذلک فلیتأنس المشتاقون!